

## فصل اول: کلیات

مبحث اول: ضرورت پژوهش

مبحث دوم: یادگیری روش تحقیق

مبحث سوم: تعریف پژوهش

## فصل دوم: انواع پژوهش

مبحث اول: انواع پژوهش به لحاظ محوریت:

← موضوع محور

← مسأله محور

← متن محور

مبحث دوم: انواع پژوهش به لحاظ هدف:

← توصیف

← توجیه

← تبیین

مبحث سوم: انواع پژوهش به لحاظ نتیجه:

← بنیادی

← کاربردی

مبحث چهارم: انواع پژوهش به لحاظ روش:

← تجربی (مشاهده بیرونی و میدانی)

← روش عقلی (اثباتی)

← اسنادی (کتابخانه‌ای)

## فصل سوم: چگونگی تعیین موضوع

مبحث اول: موضوع تحقیق

گفتار اول: راه‌های یافتن موضوع مناسب

بند اول: راه‌های کلی

بند دوم: پیشنهاد راه‌هایی برای دانشجویان رشته فقه و حقوق

گفتار دوم: شرایط لازم موضوع برای انتخاب آن

مبحث دوم: عنوان تحقیق

## فصل چهارم: مقومات پژوهش

مبحث اول: اطلاعات

أ: اطلاعات نه داده‌ها

ب: اطلاعات مرتبط

ج: اطلاعات کامل و کافی

د: اطلاعات صادق

ه: اطلاعات دقیق

و: اطلاعات نو

ز: اطلاعات مستند

ح: عدم اطلاعات

ط: لزوم انسجام و سازگاری مجموعه اطلاعات

مبحث دوم: پردازش

مبحث سوم: دارای انتظام

مبحث چهارم: متعلق به گستره خاص

مبحث پنجم: هویت جمعی

مبحث ششم: نوآوری

### فصل پنجم: مراحل پژوهش

مبحث اول: طراحی مسأله تحقیق

گفتار اول: برخورد با مشکل

گفتار دوم: تبدیل مشکل به مسأله

گفتار سوم: تجزیه مشکل به مسائل محتمل و ابزارهای تجزیه

بند اول: فن تجزیه به عوامل محتمل (تیغ ماهی)

بند دوم: فن تجزیه به آثار محتمل (درخت مسأله یاب)

بند سوم: فن تجزیه به ابعاد محتمل

بند چهارم: فن تجزیه به مصادیق محتمل

مبحث دوم: اتخاذ روش

گفتار اول: ضرورت گونه شناسی مسأله

گفتار دوم: ساختار شناسی منطقی مسأله

خاتمه: دو اصل قابل توجه در پژوهش

## فصل اول: کلیات

### مبحث اول: ضرورت پژوهش

نظام‌های سنتی تعلیم و تربیت بر محور آموزش و انتقال اطلاعات و دانش سامان یافته است. ناکارآمدی این نظام‌ها در عرصه دانش‌افزایی، هویتی مصرفی، برای آنها پدید آورده است که مانعی اساسی در مسیر تولید علم تلقی می‌شود. در نظام‌های مدرن، آموزش در کنار پژوهش برای خدمت به توسعه علم در نظر گرفته می‌شوند. رابطه متقابل آموزش و پژوهش عرصه نوینی را در سیستم‌های آموزشی، فراروی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت گشوده است. اگر زمانی مراکز، فعالیت‌ها و اهداف پژوهشی بیرون از دایره آموزش قرار می‌گرفت، امروزه در کشورهای توسعه یافته، پژوهش به عنوان بخشی از فرآیند یاددهی و یادگیری مورد توجه است. نظام‌های «آموزش محور» جای خود را به نظام‌های «آموزش - پژوهش محور» داده است.

در این نظام‌ها «پژوهش برای یادگیری» به عنوان عنصر ضروری در برنامه‌ریزی‌های آموزشی دیده می‌شود. همچنین «پژوهش برای تولید علم» نه یک آرمان، بلکه هدفی دست‌یافتنی تعریف می‌گردد.

اگر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های پژوهشی در راستای تحقق بخشیدن به این دو هدف اساسی سامان یابند، اثربخشی آموزشی، تقویت فعالیت‌های دانش‌بنیاد، نظریه‌پردازی، تولید علم و در نهایت بالندگی علمی را برای مراکز عالی آموزشی به ارمغان خواهد آورد.

### مبحث دوم: یادگیری روش تحقیق

«العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعته الا بعداً»

پژوهش عملیاتی سراسر آگاهانه است. یکی از عوامل آگاهی شناخت روش کارآمد است. به کار گرفتن روش صحیح سبب کامیابی خواهد شد.

### مبحث سوم: تعریف پژوهش

«تحقیق، پردازش اطلاعات برخوردار از انتظام، متعلق به گستره خاصی از علوم و دارای هویت جمعی

است که به نوآوری می‌انجامد»

یعنی اطلاعاتی در مورد موضوع خاصی از علم مشخصی، جمع‌آوری شده، به شکل نظام‌مند و با یک ضابطه منطقی، پردازش شود.

در اثر این عملیات، مسأله‌ای حل می‌شود؛ به گونه‌ای که در تاریخ آن علم به یک نوآوری برسد. نوآوری ممکن است در زمینه تأسیس یک نظریه، روش، ایده، مفهوم‌سازی یا ارائه راه و روش مناسب برای پژوهش باشد.

اطلاعات ← پردازش ← نوآوری

قید «متعلق به گستره خاصی از علوم» نشان می‌دهد که آموزش، مقدم بر پژوهش است. چنانچه اطلاعات نسبت به علمی کافی نباشد، پژوهش در آن زمینه به ثمر نخواهد رسید. همچنین توجه به این قید، ضرورت توجه به روش تحقیق در آن علم را نیز روشن می‌کند.

منظور از قید «دارای هویت جمعی» این است که تحقیق و پژوهش نباید بدون توجه به کارهای انجام شده، صورت بگیرد.

## فصل دوم: انواع پژوهش

مبحث اول: انواع پژوهش به لحاظ محوریت

تحقیق متن‌محور: پژوهشی است که بر محور یک متن معین انجام شود و پژوهشگر آن را تصحیح، تخریج، تعلیق، شرح، ترجمه یا نقد نماید.

متن‌محوری در احیای میراث علمی و انتقال معارف پیشین مؤثر است.

تحقیق موضوع‌محور: پژوهشی است که بر محور یک موضوع مشخص شکل بگیرد و پژوهشگر اطلاعات پیرامون آن را به شکل کامل و منسجم عرضه کند.

موضوع‌محوری در صورت نتیجه‌بخشی در اهداف آموزشی، اطلاع‌رسانی علمی، جمع‌آوری

اطلاعات دایرة المعارف‌گونه و موسوعه‌نویسی مفید است. مانند: دانشنامه‌ها

معمولاً پژوهش‌های ما به منظور این موارد صورت نمی‌گیرند، بنابراین تعیین «موضوع» برای تحقیق یکی از آفات تحقیق به شمار می‌رود. اگر موضوع تحقیق مواردی مانند: عصمت، نبوت، تقوا، امامت، عدالت اجتماعی، روحانیت در عصر صفوی، غیبت، حسد، رانت‌خواری و ... تعیین شوند، این تحقیق موضوع محور تلقی می‌شود. پس از بیان موضوع هر بحثی که ادنی ارتباطی با موضوع داشته باشد، وارد می‌شود. ملاک انتخاب مباحث ارتباط با موضوع است؛ اگرچه با هم همگون نباشند. مثل: مقدمات بسیار بعید، حواشی، همسایه‌های موضوع و ... در این صورت اطلاعات ناهمگون و پراکنده است و دارای وسعت زیاد و عمق کم خواهد بود.

علت اثر بخش نبودن مطالعات اخلاقی موضوع محور بودن است. در حوزه مطالعات اسلامی فقها الگوی خوبی هستند برای مسأله محوری یعنی همیشه تحقیقاتشان بر حل مسأله معطوف بوده است.

تحقیق مسأله محور: پژوهشی که بر محور یک یا چند پرسش معین شکل گرفته باشد که تا کنون بدون پاسخ شایسته مانده‌اند و پژوهشگر به آن پاسخ دهد. به عبارت دیگر تحقیق مسأله محور آن است که با مسأله آغاز می‌شود و آنچه برای حل مسأله، مورد نیاز است به میان می‌آید.

امتیازات تحقیق مسأله محور:

- ۱- تحقیق مسأله محور، دارای هدف معین، قابل تحقیق و قابل سنجش است. به همین دلیل محقق را از لغزیدن در امور بی‌ارتباط باز می‌دارد. هدف در این تحقیق تنها اثبات یا ابطال فرضیه تحقیق است.
- ۲- در تحقیق مسأله محور ذهن در مواجهه با مسأله، بارورتر می‌شود.
- ۳- مسأله محوری در گسترش مرزهای دانش مفید است. مطالعه رشد و تحول تاریخی علوم نشان می‌دهد که «موضوع» امری ثانوی و تبعی است و علم چیزی نیست جز حل «مسائل»
- ۴- فرآیند تحقیق، گذار روشمند از فرضیه به نظریه است و این مرهون «مسأله» است؛ زیرا فرضیه، پاسخ محقق به مسأله می‌باشد و روش تابع فرضیه است، بنابراین وضوح و شفافیت در مسأله باعث روشن بودن روش و مباحث خواهد شد.

مسأله ← فرضیه ← روش ← نظریه

۵- شناخت و نقد منابع تحقیق در گرو مسأله است.

## ویژگی های مسأله:

۱- به لحاظ مفهوم، واضح ۲- از حیث مصداق، متمایز ۳- درست و معنادار ۴- قابل تحقیق

۵- جزئی ۶- متناسب با توان محقق ۷- دارای اولویت و ضرورت

مبحث دوم: انواع پژوهش به لحاظ هدف

درآمیختن مسائل، یکی از آفات تحقیق است. اولین موضع در این مقام تشخیص این است که مسأله تحقیق معطوف به تصور است یا تصدیق. یعنی هدف آن معلوم ساختن مجهول تصویری است یا رفع مجهول تصدیقی.

مسائل پژوهش را بر این مبنا می توان دو سنخ دانست: جستارهای مقام تصور و جستارهای مقام تصدیق. پرسش های مقام تصور به لحاظ روش شناختی، مقدم بر مسائل مقام تصدیق است. مسائل مربوط به تصور بر دو قسم تعریف (Meaning) و توصیف (Description) است. در مطالعات دینی، تصدیق به طور عمده بر دو قسم است: استدلال و توجیه (Justification) و تعلیل و تبیین (Explanation)

مثال: در برخورد با گزاره نبی معصوم است، سؤال می شود که چرا پیامبر معصوم است؟ این سؤال متضمن دو سؤال است: دلیل عصمت پیامبر چیست؟ علت عصمت پیامبر چیست؟

پاسخ به این سؤال ها منوط به روشن شدن مقام تصور است. ابتدا باید چستی نبوت، چستی و معنای عصمت و دامنه معصوم بودن پیامبر، معلوم شود. نزاع در خصوص صدق و کذب این گزاره بدون ارائه تصور کامل، دقیق و روشن از سه امر یادشده، میسر نیست.

## **توصیف**

قبل از بیان ویژگی های توصیف، لازم است ابتدا «تعریف» مطرح شود و تفاوت هایی که با توصیف دارد مشخص شود علاوه بر درک بهتر توصیف، میان این دو خلطی صورت نگیرد.

تعریف: کمتر محقق را می توان یافت که به نحوی با مفهوم سازی پیوندی نداشته، از مذاقه در تعریف مفاهیم بی نیاز باشد.

پرسش از مفاد لفظ، چیستی مفهوم و تمایز مصداقی، سه مسأله متمایز، اما مرتبط است که به ترتیب به روشنی بخشیدن به سه حوزه زبان، ذهن و عین تعلق دارد. سؤال از معنای لفظی، زبان را روشن می‌سازد و ابهام‌های برخاسته از ابهام لفظ را می‌زداید و پرسش از چیستی مفهوم، با ارائه تصویر روشن از مفهوم، ذهن را از تردید و ابهام می‌رهاند و پرسش از ملاک تمایز مصداقی، بازشناسی شیئی از اغیار را در عالم خارج ممکن می‌سازد. هر سه مورد یادشده دارای اهمیت فراوانی در پژوهش هستند.

تعریف لفظی که در فرهنگ اسلامی به عنوان شرح اللفظ شناخته می‌شود، اقسام و قواعد خاصی دارد. مثلاً گاه محقق ناچار به جعل یک اصطلاح می‌شود و برای رساندن مفهوم‌سازی نوین خود، از آن به بیان (و نه تحلیل) معنایی که خود تأسیس کرده می‌پردازد. این تعریف لفظی را تعریف وضعی می‌نامند. ولی گاه لفظ را در معنای رایج به کار می‌برد. در این صورت برای روشنگری زبان و تعیین مفاد لفظ، به بیان (و نه تحلیل) مدلول رایج یا مدلول‌های رایج و تعیین مراد خود از این میان می‌پردازد. این تعریف لفظی را تعریف گزارشی می‌نامند.

توجه به وجه تسمیه نیز امری ضروری است. زیرا لفظ و دلالت بر معنا، وضعی و اعتباری محض نیست. بلکه انسانها به حسب برداشت خاص و ارتباط مفهومی معینی که با اشیا پیدا می‌کنند، الفاظ مناسب با آن را وضع می‌کنند. به همین دلیل توجه به وجه تسمیه در نشان دادن مفهوم‌سازی واضح، اهمیت فراوانی دارد. مثلاً افعال خارق العاده پیامبران را انگلیسی زبان‌ها، (meracle) متکلمان مسلمان، (معجزه) و قرآن (آیه) می‌نامند. این صرفاً اختلاف در تعبیر نیست. بلکه در بن اختلاف واژه‌ها، سه مفهوم سازی متمایز وجود دارد: جنبه شگفت‌آوری و خیره‌کننده بودن، جهت عجزآوری، حیثیت حکایتی و نماد بودن.

به همین دلیل توجه به اختلاف واژه‌ها و تأمل در وجوه تسمیه و ریشه لغوی اهمیت فراوانی در نشان دادن تصور افراد از امور را نشان می‌دهد.

**توصیف:** پرسش از احکام، خواص، آثار، ابعاد و مراتب امور، توصیف نامیده می‌شود. در این پرسش، از مفهوم‌سازی و چیستی نمی‌پرسیم، بلکه از آنچه همراه با امور است، پرسیده می‌شود. غالب مسائل علم از این قبیل است. به بیان دیگر در توصیف چگونگی، ویژگی و صفات یک موضوع بیان می‌شود. این موضوع می‌تواند طبیعی، ماوراء طبیعی یا ذهنی باشد. به طور مثال کسی که جانورشناس است در تحقیقات خود به این مسأله می‌پردازد که فلان جانور در کجا زندگی می‌کند، چه می‌خورد، چقدر وزن دارد، چه قدر عمر



می‌کند و .... یا یک فیلسوف در مقام توصیف نفس به بیان ویژگی‌های نفس اشاره می‌کند مثلاً نفس مجرد است، چه مراتبی دارد و ... همچنین گاه یک فقیه تنها در مقام بیان یک حکم است و تمام ویژگی‌های حکم را بیان می‌کند. در این صورت وی تنها در مقام توصیف است.

توصیف ابزارها و ملاک‌های خاصی دارد. برحسب تنوع ابزارها، سنخهای توصیف تعریف می‌شود. توصیف تجربی، توصیف تحلیلی، توصیف تاریخی، توصیف پدیدار شناختی و ... مثلاً سخن از عصمت انبیا در واقع به مقام توصیف ناظر است و ممکن است با ابزارهای تاریخی، درون‌دینی یا تحلیلی، پاسخ یابد. متکلمان به روش تحلیلی به بیان عصمت انبیا پرداخته‌اند. همچنین هر گاه فقیه در مقام بیان حکم با استناد به دلایل باشد، توصیف تحلیلی ارائه می‌نماید. مراد از توصیف تحلیلی در مقابل توصیف تجربی، توصیفی است که نه به وسیله ابزارهای تجربی بلکه با بیان خواص لازم شیئی از طریق تحلیل منطقی به دست می‌آید.

این نوع تحقیقات به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی مانند: چقدر؟ چه کسی؟ چه مواردی؟ با این کار چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گردد. لذا تحقیق توصیفی یعنی:

بررسی و نقد آنچه در حال حاضر در جریان است و به بیان شرایط و روابط موجود، عقائد متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهور، روند در حال گسترش، پیش‌بینی مسائل نوپیدا با توجه به وضعیت موجود، پیشنهاد برای ارائه راهکار مناسب می‌پردازد. به هر تقدیر نگاه محقق در این تحقیق به زمان حال است، اما چون اتفاقات فعلی متأثر از چیزهایی است که در گذشته اتفاق افتاده لذا نگاهی نیز به گذشته دارد.

#### توجیه:

سؤال از «چرا» به معنای «دلیل منطقی» یعنی طلب حدوسط، توجیه نام دارد. یکی از فرق‌های تحقیق نظام‌مند و علمی با تحقیقات پراکنده این است که مطلوب تحقیق علم است نه هر گونه باوری. باور، «اعتقاد جازم» است اما علم «باور موجه و مطابق با واقع» است، بنابراین چنانچه برای اعتقادی دلیل ذکر شود و وجه و چرایی آن بیان گردد، توجیه تحقق پیدا می‌کند. (دلیل به معنای کاشف و راهنما است. اماره‌ای که در چیزی وجود دارد.)

در توجیه هر مسأله‌ای باید به اصول زیر دقت نمود.

- ۱- اصل مسبوقیت نقد بر فهم: وقتی نظریه‌ای نقد می‌شود و به چالش کشیده می‌شود حتماً باید مسبوق به فهم صحیحی از نظریه باشد. (این نباشد که خود می‌کشی و خود تعزیه می‌کنی) ابتدا باید یک نظریه را خوب فهمید و با همدلی تمام تقریر نمود، سپس مواقع رخنه را نشان داد. قبل از تصدیق یک ادعا پرسش از مضمون و محتوای آن از دو جهت، ضروری است. از طرفی اگر ادعایی فاقد معنای محصل باشد، اساساً بی‌نیاز از تصدیق هستیم. از طرف دیگر معنای خاصی از یک نظریه، مستلزم روش تحقیق خاص در توجیه آن است. برای مثال اثبات فیلسوفانه نبوت یا معاد، مسبوق بر فهم فیلسوفانه از آن است. بدون تلاش در فهم کامل یک نظریه، مبادرت به نقد آن جهد بی‌حاصل است. تقریر معیوب یا فهم معوج یک نظریه ابطال آن را آسان می‌سازد اما این ابطال چه سودی دارد؟
- ۲- نقد مبانی نظریه: در مقام اخذ موجه بودن یک گزاره، مبانی و مقدمات یک گزاره نیز باید نقد گردد. بسیاری از باورهای به ظاهر موجه، بر مبانی و مقدمات غیر موجه یا فاقد ادله بنا شده است. به گونه‌ای که صرفاً به دلیل ساده‌انگاری می‌توان آنها را پذیرفت.
- ۳- نقد لوازم نظریه: هر نظریه لوازم منطقی دارد. می‌توان ادعا کرد اگر این نظریه قبول است ناگزیر این لوازم را دارد. این لوازم به دلایلی که ذکر می‌شود قابل قبول نیست. نقد لوازم در واقع نقد خود نظریه است.
- ۴- جستجو از ادله رقیب: قیاس‌های مقاومت و معارضت دو شیوه نقد موجه بودن گزاره است. قیاس معارضت، مقابل باور ادعاشده را اثبات می‌کند و قیاس مقاومت، قوی‌ترین مقدمه قیاسی را که در توجیه باور ادعاشده اقامه شده است؛ ابطال می‌کند. (مثال: برادر زینب می‌گوید: احمد در شب شعر هست و شعر می‌خواند پس شاعر است و هیچ شاعری بی‌عاطفه نیست. لذا به درد تو می‌خورد. برادر دیگر می‌گوید: احمد راننده تاکسی است. هیچ راننده تاکسی عاطفی نیست. [این قیاس معارضت است] اگر برادر دوم به جای این مطلب چنین استدلال کند که برخی شاعرها بی‌عاطفه‌اند، در واقع اقوی مقدمتین را ابطال کرده است [این قیاس مقاومت است].

## تبیین:

سؤال از چرایی، مرکب از دو پرسش است: سؤال از دلیل که به وسیله توجیه، پاسخ داده می‌شود و سؤال از علت که به وسیله تبیین پاسخ می‌یابد. اگر پاسخ از چرایی علی در پرتو قانون کلی و اصل عام صورت پذیرد، تبیین نام دارد، بنابراین تبیین، علت وقوع حادثه یا پیدایش یک امر یا ظهور یک دیدگاه در پرتو قانون کلی علمی است.

بسیاری از عالمان، مهمترین رسالت تحقیقات علمی را ارائه تبیین امور دانسته‌اند. شاخه‌های مختلف دین‌پژوهی را از این حیث می‌توان مقایسه کرد. به طور مثال مقایسه روی‌آورد فیلسوفان در مبدأ و معاد با روی‌آورد متکلمان در مسأله عصمت، نشان می‌دهد که فیلسوفان دغدغه تبیین و متکلمان گرایش به توجیه و استدلال دارند. [اگر فقیه بخواهد از علت احکام سخن بگوید باید فلسفه احکام را بداند. به نظر می‌رسد بررسی‌های فقهی را بتوان توصیفی تحلیلی نامید و تبیین در این پژوهش‌ها وجود ندارد]

تبیین بر حسب اینکه قانون عام را از چه گستره علمی به دست می‌آورد، به نام همان علم خوانده می‌شود؛ مانند: تبیین روان‌شناختی، تبیین جامعه‌شناختی، تبیین کلامی و ... آنچه در تبیین مهم است اینکه می‌توان از پدیده واحد تبیین‌های متنوع داد. به طور مثال اگر خودکشی از نظر روان‌شناسی تبیین شود، تبیین روان‌شناسی و اگر از نظر جامعه‌شناختی تبیین شود، تبیین جامعه‌شناختی صورت گرفته است.

مبحث سوم: انواع پژوهش به لحاظ نتیجه

### تحقیق بنیادی:

تحقیقی است که برای گسترش و بسط دانش یا علوم پایه در یک نظام و به جهت فهم آن طرح‌ریزی شود. ممکن است همه یا بخشی از این دانش در آینده کاربرد داشته باشد. ولی معمولاً خود محقق در کاربرد، نقشی ندارد.

### تحقیق کاربردی:

این نوع تحقیق بر روی یافتن راه حل فوری مسائل با ماهیت عملی متمرکز می‌شود. بنابراین این تحقیقات جنبه عملی داشته و معمولاً خود محقق در کاربرد نتایج دخیل است.

مبحث چهارم: انواع پژوهش به لحاظ روش

تجربی (مشاهده بیرونی و میدانی)

مشاهده بیرونی یا فعال است یا منفعل. در مشاهده منفعل، محقق هیچ گونه دخالتی در مسأله مورد تحقیق ندارد. مانند نجوم شناس که فقط مشاهده می‌کند و نمی‌توان خودش فضایی ایجاد نموده در آن به انجام تحقیق پردازد. در مشاهده فعال مشاهده کننده هم ناظر است و هم پدیده مورد مطالعه و تحقیق را می‌سازد. به این مشاهده آزمایش نیز گفته می‌شود. مانند کشاورزی که می‌خواهد ببیند این بذر با آن بذر چه تفاوتی دارد. هر یک را در زمینی با شرایط خاص، کود معین، نحوه آبیاری ویژه و... قرار می‌دهد. محقق چون سازنده است، هر گونه تغییری که بخواهد اعمال می‌کند و نتیجه را بر اساس شرایط مدنظر خود به دست می‌آورد.

مشاهده به اعتباری دیگر یا مستقیم و بلاواسطه و یا غیر مستقیم و باواسطه است. برخی مشاهدات مستقیم است؛ مانند مشاهدات میدانی مثلاً اگر در مورد هیئات مذهبی قم تحقیق شود و یا رفتارهای گروه بزهکاران مورد تحقیق قرار گیرد. رفتارهای آنان در جامعه مدنظر قرار می‌گیرد و از روی دیدن نحوه عملکرد آنان نتایجی به دست می‌آید. اما اگر مثلاً مسأله دین‌داری در جوانان بررسی شود و از خود او سؤال شود که آیا اعتقاد به معاد دارد یا خیر، آیا صدقه می‌دهد یا خیر، آیا نماز می‌خواند یا خیر و... مشاهدات غیر مستقیمی صورت گرفته است زیرا یک واسطه در این میان وجود دارد. این پژوهش‌ها عمدتاً از طریق پرسش‌نامه انجام می‌شود و پیمایشی یا زمینه‌یابی نام دارد.

روش عقلی (اثباتی): در این روش مشاهده و رؤیت وجود ندارد. تحقیق در این روش تنها بر اساس تفکر و تعقل انجام می‌شود. دایره مطالعات بر اساس این روش محدود است و بیشتر در مطالعه بنیان‌های هستی یعنی فلسفه و ریاضیات مورد استفاده است.

اسنادی (کتابخانه‌ای): این روش بر اساس مطالعه و سؤال از متن است. در برخی از شاخه‌های علوم تولید اطلاعات ممکن نیست. بلکه باید اطلاعات را بر اساس پرسش جمع‌آوری نمود. به طور مثال تحقیق در مورد جنگ جمل یا واقعه عاشورا تنها با مراجعه به منابع تاریخی ممکن است. همچنین تحقیق در مورد احکام فقهی تنها با مراجعه به منابع فقهی که قرآن و سنت است، ممکن می‌شود. زیرا خداوند متعال احکام

را تنها به پیامبر وحی کرده است و دسترسی به وحی برای هیچ محققى امکان ندارد. بنابراین پژوهش‌های فقهی تنها به روش اسنادی و مدارکی انجام می‌شوند.

## فصل سوم: چگونگی تعیین موضوع

مبحث اول: موضوع تحقیق

گفتار اول: راه‌های یافتن موضوع مناسب

بند اول: راه‌های کلی

مهارت جهت یافتن موضوع با مطالعات مستمر در حوزه علوم تخصصی به دست می‌آید. به این صورت که انسان در مواجهه با مسائل گوناگون علمی، در برخی موارد وجود یک مشکل را احساس می‌کند. این مشکل را تبدیل به مسأله نموده، در پی حل آن برمی‌آید. در همین راستا می‌توان از تجربیات صاحب‌نظران و اساتید فن استفاده نمود.

همچنین مراجعه به مجلات علمی پژوهشی و مجلات تخصصی و مشاهده فرضیه‌ها و نظریه‌های جدید، می‌تواند در انتخاب موضوع مفید باشد.

گاهی برخی مراکز علمی دولتی، همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی خصوصی، اقدام به ارائه فهرستی از عناوین پژوهشی مورد نیاز خود می‌کنند. این امر می‌تواند به انتخاب موضوع کمک نماید.

بند دوم: پیشنهاد راه‌هایی برای دانشجویان رشته فقه و حقوق

أ: مطالعه مسائل حقوقی ایده‌های مناسبی برای پژوهش و تحقیق فقهی به دست می‌دهند.

ب: مسائل جدید در حوزه اقتصاد، پزشکی، فن‌آوری، تکنولوژی و... ممکن است از زوایای مختلف قابلیت بررسی‌های فقهی داشته باشند. بنابراین توجه به این مسائل ذهن را در جستجوی موضوع یاری می‌کند.

ج: دیدن استفتائات جدید، می‌تواند دانش‌پژوه را با پرسش‌هایی آشنا کند که وی از آنها غافل بوده است.

د: مراجعه به سایت‌های فقهی اعم از سازمان‌ها (حوزه‌نت، تبیان، بلاغ و ...)، مراجع و شخصیت‌ها (آقایان: فاضل، مکارم شیرازی، سیستانی، سید کاظم حائری، مبلغی و ...) و مجلات (پایگاه مجلات تخصصی، فقه اهل بیت و کاوشی نو در فقه و ...) در این زمینه‌ها رهگشا است.

گفتار دوم: شرایط لازم موضوع برای انتخاب آن

۱- موضوع قابلیت اجرا داشته باشد. به این معنا که نیروی انسانی، ماهر و علاقه‌مند بوده، امکانات و منابع کافی در اختیار داشته باشد.

۲- موضوع بدیع و تازه باشد تا دوباره‌کاری صورت نگیرد. البته در صورتی که نتایج کافی به دست نیامده باشد، تحقیق مجدد مانعی ندارد. همچنین اگر از زاویه دیگری به مسأله نگاه شود، دوباره‌کاری تلقی نمی‌شود.

۳- موضوع از نظر میزان قابلیت تحقیق، مناسب باشد. برای مثال موضوعی که برای پایان‌نامه و رساله انتخاب می‌شود باید قابلیت تحقیق و بررسی‌های بیشتری نسبت به آنچه موضوع یک مقاله است، داشته باشد.

مبحث دوم: عنوان تحقیق

۱- در بیان عنوان باید از کلمات کوتاه، رسا و در حد امکان از یک زبان استفاده شود.

۲- عبارت گویا باشد و از اختصاراتی که مخفف کلمات هستند، اجتناب شود.

۳- به صورت یک مسأله دقیق و مشخص بیان شود.

۴- عنوان، به صورت غیر سؤالی مطرح شود.

۵- عنوان مسأله متضمن پیش داوری نباشد.

## فصل چهارم: مقومات پژوهش

### مبحث اول: اطلاعات

آغاز تحقیق و مواد اولیه آن، اطلاعات است و پژوهش بدون اطلاعات بی‌ثمر و تهی است. مهمترین نکته در اطلاعات، شایستگی آنهاست. برای نیل به اطلاعات شایسته در تحقیق، نکات زیر قابل توجه است.

#### أ: اطلاعات نه داده‌ها

پژوهش از اطلاعات تحلیل شده (information) آغاز می‌شود و نه از داده‌های خام (data) در عرصه پژوهش ابتدا داده‌ها و یافته‌ها را می‌آوریم، سنجش می‌کنیم تا گزینش کنیم. مثالی جهت روشن شدن تفاوت میان داده‌ها و اطلاعات: در یک کارخانه موزاییک‌سازی، ابتدا خاک‌هایی آورده می‌شود. از میان آنها خاک‌های مناسب برای رفتن به کوره سنجش می‌شود. این خاک‌ها برای فرآیند تولید فرستاده می‌شوند، بنابراین مواد اولیه و خام، داده و یافته نامیده می‌شود و یافته‌ها و داده‌های شایسته، اطلاعات نامیده می‌شود. محقق باید بداند آنچه در کتاب‌ها می‌یابد، لزوماً شایستگی ورود به پژوهش را ندارد.

#### ب: اطلاعات مرتبط

وجود اطلاعات کم‌ارتباط یا بی‌ارتباط، موجب اختلال در برنامه پژوهشی می‌شود و نبود اطلاعات که با فرضیه تحقیق مرتبط است، اثر بخشی و کارایی تحقیق را به شدت کاهش می‌دهد. وجود هر گونه مطلب کم‌ارتباط یا با ارتباط تصنعی در تحقیق که غالباً با انگیزه فربه کردن تحقیق و انبوه‌سازی منابع و مآخذ آن صورت می‌گیرد، از عمده‌ترین انحرافات است. آزمون‌های زیر می‌تواند ویژگی‌های اطلاعات شایسته ورود به پردازش را تعیین کند.

۱- آیا این اطلاعات با مسأله تحقیق مرتبط هستند؟ توجه شود که ارتباط با موضوع تحقیق کافی نیست مگر اینکه تحقیق، موضوع محور باشد.

۲- آیا این اطلاعات در فهم و شناخت و تحلیل مسأله کمک می‌کند؟ به عبارت فقهی باید دید که آیا این اطلاعات محل نزاع را تقریر می‌کند یا خیر؟

- ۳- آیا این اطلاعات در دستیابی به جواب مسأله کمک می‌کند؟
- ۴- آیا این اطلاعات در اثبات یا ابطال نظریه‌های رقیب کمک می‌کند؟
- ۵- آیا این اطلاعات در رد، اثبات یا ابطال فرضیه تحقیق کمک می‌کند؟

### ج: اطلاعات کامل و کافی

با هر میزان از اطلاعات نمی‌توان به تحلیل پرداخت و به حل مسأله نائل آمد. اطلاعات در تحقیق باید وسیع و کامل باشد. کفایت و کامل بودن نسبی است و به مسأله تحقیق و فرضیه آن بستگی دارد. اطلاعات وقتی کافی است که بتواند مدعی را کفایت کند.

مثال: آراء، مبانی و منهج فقهی شیخ انصاری؛ نوآوری‌ها یا آراء خاص شیخ انصاری در فقه.

مثال: آراء و نظریات علامه طباطبایی؛ آراء خاص علامه طباطبایی در فلسفه.

در تحقیقی با عنوان «تأثیر افلاطون بر شیخ اشراق» نیاز به زبان اصلی است (زبان لاتین و سریانی و...) اگر محقق زبان اصلی نداند، ورود به این تحقیق صحیح نخواهد بود. بنابراین یا باید دامنه تحقیق را محدود نمود تا بتوان اطلاعات کافی به دست آورد یا ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات داشت.

### د: اطلاعات صادق:

یکی از شاخص‌های گزینش اطلاعات، صدق آنهاست. اطلاعاتی که مطابق با واقع نیست و و صرفاً پندار و انگاره‌های ذهنی است، تحقیق را عقیم می‌سازد. با تمایز بین داده‌ها و اطلاعات در واقع این نکته مورد بحث واقع شده است.

محقق باید با ابزارهای رایج در حرفه خود، صدق اطلاعات را بسنجد. از آنجا که نتیجه تابع اخس مقدمات است، ورود مقدمه کاذب یا اثبات نشده، نتیجه را نیز مخدوش می‌سازد. اطلاعات باید مستند یا مستدل باشد. البته اگر اطلاعات کاذب آگاهانه و با کنترل آورده شود؛ مثلاً برای برهان خلف، اشکال ندارد.



## ه: اطلاعات دقیق

غالباً در زبان عرفی، صرفاً دغدغه صدق وجود دارد، درحالی که در زبان علوم، دقت نقش اساسی دارد. در یک تحقیق علمی وقتی فاصله تبریز و تهران باید به منزله اطلاعات وارد شود، جمله فاصله تهران و تبریز ۶۰۰ کیلومتر است، قابل قبول نیست؛ اگرچه در زبان عرف به همین جمله بسنده می‌کنیم.

در صورت بی‌توجهی به اصطلاحات خاص در هر یک از علوم مختلف، ممکن است، این اتفاق رخ دهد. به طور مثال در فقه، فسخ نکاح با طلاق، خیار شرط با شرط خیار، اجازه با اذن و ... خیلی تفاوت دارد. برای سنجش دقت باید دو آزمون انجام داد.

آزمون اول: وضوح و روشنی: آیا این اطلاعات وضوح دارد یا مبهم است؟ هرگونه ابهامی باید زدوده شود. اطلاعات تحقیق ممکن است سه قسم ابهام داشته باشد:

أ: ابهام لفظی و زبانی: این ابهام ناشی از کژتابی و دوپهلوی بودن الفاظ و جملات است. مثلاً لفظ شیر در زبان فارسی دوپهلوی است. چنین ابهامی را اشتراک لفظ می‌خوانند. اشتراک لفظ سه مرتبه دارد: جلی، خفی و اخفی. این ابهام از طریق شرح اللفظ و جایگزینی برطرف می‌گردد.

ب: ابهام مفهومی: این ابهام مربوط به مفاهیم و تصورات ذهنی است. این ابهام از طریق تعریف و شرح الاسم رفع می‌شود.

ج: ابهام مصداقی: این نوع ابهام به مقام خارج مربوط است. گاهی لفظ صریح و عاری از ابهام است و مفهوم نیز روشن می‌باشد اما در تعیین مصداق، ابهام دارد. یعنی از تمایز مصداق آن مفهوم از سایر مفاهیم بازمی‌مانیم. به طور مثال منطق‌دانان معتقدند که مفهوم خبر واضح و روشن است اما در مقام مصداق غالباً جملات خبری را از انشایی بازنمی‌شناسیم. به وسیله ملاک‌های مصداقی، می‌توان این ابهام را زدود.

د: گاهی اوقات اطلاعات اتمیک نیست بلکه مولکولی است یعنی تک عنصری نیست بلکه مجموعه است بنابراین باید ابهام ساختاری را هم از بین برد.

آزمون دوم: تمایز: اطلاعات نباید آشفته با موارد دیگر باشد بلکه از یکدیگر کاملاً مشخص و متمایز باشد.

## و: اطلاعات نو:

علم وجود تدریجی دارد و هر روز اندیشه‌ای نو، روشی تازه و مسائل جدیدی به بازار دانش می‌آید. محقق نمی‌تواند به اطلاعات گذشته محدود شود. در مواردی اطلاعات پیشین، فاقد اعتبار می‌گردد و در مواردی اطلاعات جدید، آنچه را از قبل بوده، دقت می‌بخشد.

بنابراین محقق باید از آخرین اطلاعات موجود در تاریخ علم استفاده کند. مثلاً اگر کسی در مورد علامه حلی تحقیق می‌کند، باید علاوه بر دیدن آراء علامه حلی، آثار «علامه شناسی» را هم ببیند. دو توصیه:

اولاً: در تشکیل پرونده علمی از منابع دیجیتال استفاده کنید. چه بسا در حوزه‌ای که شما مشغول مطالعه هستید، دیگران هم کار کرده باشند.

ثانیاً: به کار گروهی در تحقیقات اهمیت بدهید.

## ز: اطلاعات مستند:

یکی از شرایط گزینش اطلاعات و ورود آنها به فرآیند تحقیق، اعتبار و اصالت اسناد آنهاست. دستیابی به مآخذ اصیل و نقد اسناد از وظایف اولیه محقق است.

جستجوی مآخذ و رجوع به همه آن موارد که شاید ذکری از مطالب مورد نظر در آنها باشد، اولین قدم در راه تحقیق درست است؛ زیرا تحقیق نوعی حجت منطقی است، هر قدر در آن به مآخذ گوناگون رجوع افتد، حجت قوی‌تر و استقرا کامل‌تر خواهد بود.

در رجوع به مآخذ و توجه به اسناد، کثرت و کمیت، شاخص نیست، بلکه ملاک، «اصالت» و «امانت‌داری» است. وقوف به اهمیت اسناد در تحقیق، جسارت‌های کاذب ناشی از بی‌خبری را از بین می‌برد.

دستیابی به اسناد لازم و کافی و مآخذ اصیل و معتبر، دشوارترین مرحله تحقیق است و آفات متعددی همچون سهل‌انگاری، سرعت‌طلبی، عافیت‌گرایی، اعتماد بیش از حد به حافظه و عدم مسبوقیت پژوهش بر آموزش آن را تهدید می‌کند.

### ح: عدم اطلاعات:

در مقام گردآوری اطلاعات نباید تنها به آنچه هست، توجه نمود. وقتی محقق به داده‌ای دست نمی‌یابد این عدم داده در ذهن تحلیلی او تبدیل به اطلاعات مفیدی می‌گردد. مثلاً در بحث تصویر دانشمندان از نبوت، توجه به مؤلفه‌ها و قیودی که آنان در تعریف اخذ نکرده‌اند، به اندازه ذکر مؤلفه‌هایی که آورده‌اند، مهم است.

### ط: لزوم انسجام و سازگاری مجموعه اطلاعات:

اطلاعات به کار گرفته شده در تحقیق باید کاملاً مرتبط با یکدیگر باشد. این اطلاعات به گونه‌ای در کنار یکدیگر آورده شود که انسجام و پیوستگی آن از بین نرود. کشف ارتباط اطلاعات به ظاهر بی‌ارتباط، یک هنر است. کسب این مهارت در گرو دانش بیشتر و ممارست و تمرین پژوهش است. (در کار تیمی حضور افراد پیش‌کسوت مغتنم است؛ زیرا ارتباط را بهتر درک می‌کنند) نوع نگاه هم اهمیت دارد. تمام کسانی که نگاه میان‌رشته‌ای دارند، ارتباطات را خوب می‌فهمند.

### مبحث دوم: پردازش

تحقیق از اطلاعات آغاز می‌شود و به نوآوری می‌انجامد. مسیر عبور از اطلاعات به یافته‌های جدید، پردازش و تحلیل روشمند است.

فرانسیس بیکن بیان تمثیلی معروفی دارد. وی اهل تحقیق را بر سه دسته می‌داند: مورچگان، عنکبوتان و زنبوران عسل. گروه نخست مورچگان هستند که صرفاً به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازند اگر هنر ورزند از داده به اطلاعات می‌رسند. گروه دوم عنکبوتانند که بدون جمع‌آوری اطلاعات، به تحلیل و پردازش مشغول می‌شوند که حاصل آن چیزی جز یاهو سرایی نخواهد بود. گروه سوم زنبوران عسل هستند که ابتدا به جمع‌آوری اطلاعات اهتمام می‌ورزند آنگاه آنها را با تجزیه و تحلیل به عصاره علم، مبدل می‌سازند. گروه چهارم مگس‌صفت‌ها هستند که بر سر سفره تحقیقات دیگران می‌نشینند و به آلوده‌سازی و انتحال تحقیق پژوهشگران می‌پردازند. کسی که کتاب کامل دانشمندی را بدون تغییر به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود ارائه می‌کند با کسی که همین کتاب را با تغییرهای بی‌مبنا و التقاط‌های بی‌وجه

دگرگون می‌سازد و به نام خود می‌خواند، در این جهت متفاوت است که دومی علاوه بر رذیلت اخلاقی سرقت، خلط و آلوده‌سازی نیز به بار می‌آورد.

مبحث سوم: دارای انتظام

پردازش اطلاعات که مقوم اصلی پژوهش است حاجت به نظم و انضباط را نشان می‌دهد. تحقیق به عنوان یک فرآیند دارای چارچوب، ضابطه و قواعد معینی است. اگرچه انتظام و ضوابط تحقیق همگانی است؛ تقلیدی و کلیشه‌ای نیست، بلکه تا حدود زیادی اقتضایی و وابسته به مسأله است. مثلاً در نشان دادن تاریخ تولد یک حکیم، می‌توان به نوشته‌ای از او مراجعه کرد، اما در خصوص تاریخ تولد شاعری مانند سعدی، مراجعه به اشعار او جز حیرت و سرگشتگی اثری ندارد.

مبحث چهارم: متعلق به گستره خاص

واژه تحقیق را در برنامه پژوهشی به صورت مطلق به کار نمی‌بریم بلکه در کاربردهای رایج، آن را به صورت مضاف به یکی از دانش‌های بشری استعمال می‌کنیم؛ مثلاً تحقیقات کلامی، پژوهش‌های فلسفی، مطالعات روان‌شناختی و... تعلق تحقیق به گستره معین، لوازم فراوانی دارد:

اولاً: به دلیل این تعلق، پژوهش، مسبوق به آموزش است. تا زمانی که فرد در یک گستره علمی آموزش کافی نداشته باشد، نمی‌تواند به در آن گستره دست به تحقیق بزند. استعمال نابجای مفاهیم میزان توان محقق را نشان می‌دهد { تحقیق در مسائل یک علم، وقوف بر مبانی، مسائل، روش‌ها و ساختار قضایی آن علم را لازم دارد.

ثانیاً: متعلق به گستره خاص از علوم، به معنای تعلق به تاریخ همان علم است. تحقیق علمی امری شخصی و منقطع از تاریخ تطور علم نبوده، بی‌خبری محقق از آنچه در محافل علمی می‌گذرد، بخشودنی نیست.

ثالثاً: تعلق به علم خاص، ضوابط و انضباط تحقیق را نیز معین می‌نماید؛ زیرا مثلاً تحقیقات علوم قرآنی اقتضا می‌کند که در چارچوب و روش‌های رایج در این حوزه معرفتی انجام شود. این امر با خلاقیت روشمند محقق منافات ندارد.

رابعاً: تعلق برنامه پژوهشی به گستره خاص، هویت جمعی علم را نیز نشان می‌دهد.

## مبحث پنجم: هویت جمعی

مراد از هویت جمعی در اینجا صرفاً این نیست که تحقیق محتاج کار گروهی است بلکه مقصود این است که هر برنامه پژوهشی، عضوی از هویت جمعی علم است و در خانواده علم، جایگاه خاصی پیدا می‌کند و به عنوان عنصری از سیستم معین نقش ایفا می‌کند.

توجه محقق به هویت جمعی تحقیق، سبب می‌شود پیش از آغاز تحقیق جایگاه آن را در وضعیت دانش مربوط بیابد. این سؤال که چنین تحقیقی در کدام نقطه از نقشه جغرافیای علم قرار دارد، ضرورت، اولویت یا بهبودگی و تکراری بودن تحقیق را نشان می‌دهد.

## مبحث ششم: نوآوری

مهمترین ممیز تحقیق از برنامه‌های آموزشی و ترویجی، نوآوری است. هدف برنامه آموزشی و ترویجی، انتقال و یادگیری یافته‌های علمی است، اما در برنامه پژوهشی، هدف، تولید یافته‌های علمی است. محقق در مقام دستیابی به امری است که تا کنون به دست نیامده است.

ملاک نو بودن، گستره‌ای است که تحقیق به آن متعلق است. پژوهش باید در حیات جمعی - تاریخی علم، سخن نو به میان آورد. یکی از موانع باروری تحقیق از حیث نوآوری یا یکی از عوامل انحراف تحقیق به برنامه آموزشی، فقدان مسأله محوری در غالب تحقیقات است.

## فصل پنجم: مراحل پژوهش



در هر پژوهش ابتدا باید مسأله تحقیق را طراحی نموده، فرضیه‌ای را مطرح کرد، تا درستی یا نادرستی آن به محک آزمایش گذاشته شود. سپس با توجه به گونه‌شناسی مسأله، روش مناسب برای تحقیق و بررسی اتخاذ کرد.

مبحث اول: طراحی مسأله تحقیق

گفتار اول: برخورد با مشکل

مشکل. تبدیل مشکل به مسأله. تجزیه مسائل. تعیین سنخ مسأله. تحلیل ساختار منطقی مسأله

فرق مشکل با مسأله در چیست و چگونه می توان مشکل را به مسأله تبدیل نمود؟

مثال: وقتی شخصی به عنوان مدیر عامل کارخانه می شنود که کارگران اعتصاب کرده اند، دو گونه واکنش ممکن است نشان دهد: یا بگوید «فلانی یک جوری مشکل را حل کن». یا اینکه بپرسد «در اعتصاب مسأله چیست؟» راه حل اول، عامیانه و به دنبال حل فوری مشکل است. راه حل دوم، مواجهه ای علمی است. در مسائل علمی و عملی می توان مشکل را ندید و آرامش کاذب آفرید، اما اگر مشکل دیده نشد یا دیده شد و عامیانه برخورد کرد تبدیل به بحران می شود، اما اگر تبدیل به مسأله شد، قابل حل می شود.

گفتار دوم: تبدیل مشکل به مسأله

بنابراین در برخورد با مشکل باید فعالانه عمل نمود و نه منفعلانه. باید مشکل را دید و تبدیل به مسأله نمود. تفاوت های مشکل با مسأله در جدول زیر آورده شده است. (مثال درد در بدن)

مشکل	مسأله
مرکب (عام و کلی)	معین و جزئی
مبهم	روشن
سطحی	ژرف
قابل رؤیت توسط عوام	قابل رصد توسط متخصص
فاقد روش بررسی	روشمند
غیر قابل حل	قابل حل

عطف توجه به مشکل مثل عطف توجه به موضوع است. برای مثال پلورالیزم دینی، خود مشکل نیست بلکه یک پاسخ احتمالی به یک مشکل است. مشکل این است که ما و دیگر ادیان با هم مشکل داریم. مشکل پیچیده است زیرا مرکب از مسائل متعدد است. بدون تجزیه مسائل نمی توان تحقیق کرد.

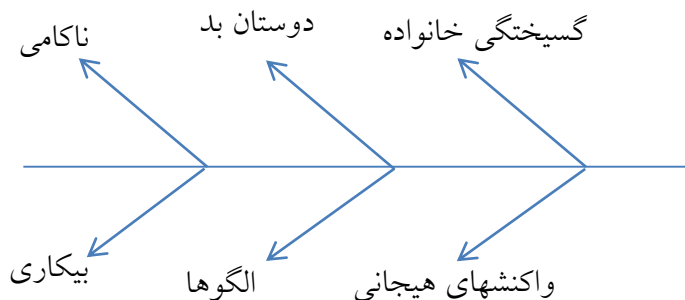
پلورالیزم دینی مشتمل بر هفت، هشت مسأله است. ۱- الگوی رفتاری ما با سایر ادیان چگونه باید باشد؟ ۲- آیا پیروان دیگر ادیان راستین هستند؟ ۳- آیا آموزه‌های دیگر ادیان حق است؟ بنابراین پس از برخورد با مشکل باید آن را به مسائل متعدد موجود در آن تجزیه نمود.

گفتار سوم: تجزیه مشکل به مسائل محتمل و ابزارهای تجزیه

باید فهرستی از مسائلی که احتمال می‌رود در مسأله واحد جمع شده است تهیه نمود.

بند اول: فن تجزیه به عوامل محتمل (تیغ ماهی)

وقتی با یک مشکل مواجه می‌شویم سؤال می‌کنیم: علل و عوامل به وجود آمدن این مشکل چیست؟ سپس یک تیغ ماهی ترسیم می‌کنیم و آنها را بر روی آن می‌نویسیم؛ مثلاً برای اعتیاد عوامل زیر را می‌توان شمرد.



شهید مطهری علل انحطاط مسلمین را استقصاء نموده، ۲۷ مسأله استخراج می‌کنند.

مثال :- مدیریت های ناپایدار، عامل توسعه نیافتگی

- خودشیفتگی مدیران، عامل اصل خسارت وارده به بنگاه ها و سازمان ها

بند دوم: فن تجزیه به آثار محتمل (درخت مسأله‌یاب)

در این روش می‌توان آثاری که مانند شاخه و برگ و میوه بر روی درخت هستند را استقصا نمود. این الگو معکوس الگوی اول است. برای تجزیه مشکل اعتیاد می‌توان تک تک آثار آن را در کنار آن (یعنی مشکل) نوشت؛ به طور مثال: اعتیاد و فقر، اعتیاد و طلاق و ... [در این دو الگو می‌بینیم فقر هم در تیغ ماهی بود و هم در درخت است. این یک همبستگی را نشان می‌دهد. این دور منطقی محال

نیست. بلکه یک حلقه معیوب است. گفته می‌شود دور یا حلزونی است که مثبت و تصاعدی است و گاهی معیوب است.]

مثال دیگر: ایمان و عمل صالح، ایمان و سلامت روانی، ایمان و پایبندی به تعهدات.

- تاثیر نماز روی بدن نمازگزار

- تاثیر نماز بر رفتار و منش انسان

- آثار عینی روانشناختی و تربیتی نماز

با این توضیح می‌بینیم که «مشارکت سیاسی در اسلام» موضوع محور یا معطوف به مشکل است.

باید مسائل آن را درآورد. مثلاً مشارکت سیاسی و بهره‌وری اقتصادی.

بند سوم: فن تجزیه به ابعاد محتمل:

اگر در تحقیقات کلامی بخواهیم از پلورالیزم سخن بگوییم، موضوع محور شده، دارای مغالطه خواهد بود. مشکل ما و دیگر ادیان شش بعد دارد: بعد هنجاری، بعد حقیقت‌شناسی، معرفت‌شناسی، اخلاقی، نجات‌شناسی و تجارب دینی.

- بعد هنجاری، (الگوی رفتاری ما با دیگر ادیان چگونه باشد؟ آیا محترمانه باشد یا خیر؟)

- بعد حقیقت‌شناسی، (آموزه‌های دینی ما حقیقت‌آموزانه هستند؟)

- معرفت‌شناسی، (ما در باورهای دینی محققیم؛ زیرا باورهای ما صادق هستند. آیا بقیه هم می‌توانند

یا خرافات و تقلید هستند؟)

- اخلاقی، (دین ما یک نظامی از فضائل و رذایل اخلاقی را آموزش می‌دهد. آیا اخلاق همان چیزی

است که دین من نشان می‌دهد یا آنچه دیگر ادیان یاد می‌دهند نیز ارزش اخلاقی دارد؟)

- نجات‌شناسی (دین ما نجات‌بخش است. آیا سایر ادیان هم نجات‌بخشند یا ضاله هستند؟)

- تجارب دینی. (در دین ما تجارب دینی اصیل وجود دارد که کاشفند و واقع‌نمایند و شهود و

حضورند. آیا تجارب دینی دیگر هم واقعی هستند؟)



مثال فقهی: گاهی اوقات یک موضوع مانند بازاریابی شبکه‌ای، از منظر حکم تکلیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. گاه همین موضوع از نظر حکم وضعی مورد مطالعه است و گاه بر اساس فقه جزا مورد کاوش بوده، جرم‌انگاری آن مدنظر است.

- اعتبار رای اکثریت از منظر فقه القرآن شیعیه

- بررسی تحلیلی انگیزه‌های قیام امام حسین (ع) از بعد کلامی شیعیه

- ذکر در قرآن با تکیه بر معنای و حیانی آن

بند چهارم: فن تجزیه به مصادیق محتمل

در مباحث اخلاقی، سیاسی، تاریخی، فقهی و .... بر حسب مصادیق هم می‌توان بحث کرد. مثلاً در بحث سرقت مصادیقی وجود دارد مانند: پول نقد، کالا، مالکیت معنوی، اطلاعات، سایر اموال. این مصادیق متعدد مسائل متعددی به وجود می‌آورد. سرقت پول نقد باز هم تجزیه می‌شود شعب بانکی، بنگاه صنعتی و مرکز دانشگاهی و ... سرقت پول نقد در بانک تجزیه می‌شود به تحویل‌دار، صندوق‌دار، مسئول بانک و ...

مثال دیگر در بحث امامت خاصه در مورد هر یک از ائمه بحث شود این تجزیه به مصداق است.

مثال فقهی: بحث از خيارات موضوع محور تلقی می‌شود، اما تجزیه آن به مصادیق ممکن است. خیار در فقه اقسامی دارد؛ مانند: خیار مجلس، خیار عیب، خیار غبن، خیار حیوان و ... البته هر یک از این موارد امکان تبدیل شدن به مسائل متعدد را دارد. هرچه موضوع تحقیق بر اساس مسائل موجود در آن تجزیه شود، معین‌تر شده، بحث از آن منقح می‌شود و ژرف‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گیرد. یا اینکه قواعد فقهی متعددی وجود دارد بررسی هر قاعده به تنهایی در واقع تجزیه به مصادیق است.

- چگونگی تنظیم قرارداد اجاره واحدهای مسکونی و نحوه تخلیه آنها

- تحلیل ماده ۵۰۱ و ۵۱۵ قانون مدنی (اجاره بدون مدت)

- ضمانت از عیب مخفی مبیع در حقوق فرانسه

- تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی

- بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نهانی

- مسؤولیت کارگزاران در معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیات دآوری

- بررسی فقهی حقوقی قاعده درء

در مباحث اصولی نیز به همین منوال است. به طور مثال اصول عملیه چهار قسم است. مصادیق آن عبارتند از: اصل برائت، اصل احتیاط، اصل تخییر و اصل استصحاب. هر یک از این موارد دلایل مختلفی از کتاب، سنت، اجماع و عقل ممکن است داشته باشد. تقسیم به دلایل و بررسی موردی آنها مسأله را روشن تر می کند.

مبحث دوم: اتخاذ روش

گفتار اول: ضرورت گونه شناسی مسأله

شناخت نوع مسأله اهمیت دارد. یعنی مسأله ناظر به چه موضوع و متعلق است. ابزار عمده نوع شناسی، طبقه بندی است. با تعیین جایگاه این نوع در طبقه بندی، گونه آن مشخص می شود. دانشمندان ما یک طبقه بندی عمده ارائه می کردند:

مطلب ما مطلب هل مطلب لم

اس المطالب ثلاثة علم

هر کدام از این سه مطلب بر دو قسم است: «هل» بسیط و مرکب، «ما» شارحه و حقیقه و «لم» ثبوتی و اثباتی. ارائه طبقه بندی یادشده در واقع گونه شناسی مسأله است. توجه به ترتیب مطلب های شش گانه نشانگر دقت آنان به روش تحقیق هر یک از مسائل است. تعیین سنخ مسأله، به ویژه در مطالعات دینی، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مطالعات دینی به دلیل برخورداری از گونه های فراوان مسأله، از تعدد روش برخوردار است.

۱- مسأله از حیث متعلق یا ناظر به ارزش است یا واقع. مسائل ناظر به واقع، بر حسب اینکه به چه سطحی از واقع تعلق دارد گوناگون است: مسائل ناظر به واقع عینی تجربی، مسائل ناظر به واقع عینی متافیزیکی، مسائل ناظر به ذهن و مفاهیم، مسائل ناظر به زبان و الفاظ.

۲-مسأله از حیث تعلق به یک گستره خاص و احتیاج به سایر گستره‌ها، بر دو گونه است. مسأله یا تک تباری یا چند تباری است. مسأله تک تباری به گستره خاصی تعلق دارد و تنها با ابزارهای آن می‌تواند تحلیل و تبیین شود، در حالی که مسأله چندتباری، ریشه در ساحت‌های مختلف دوانده است؛ به گونه‌ای که با حصر توجه به گستره خاص و بدون بهره‌مندی از ابزارها و شیوه‌های سایر گستره‌ها قابل تحقیق نیست. این که حل کردن برخی از مسائل، مستلزم توسل جستن به علم‌های مختلف است، منافاتی با تعلق آن به گستره خاص ندارد. مسأله‌ای را چندتباری می‌خوانیم که در عین تعلق به دانش خاص، محتاج بررسی از دیدگاه علوم مختلف است. مطالعات میان رشته‌ای از این قبیل هستند.

گفتار دوم: ساختارشناسی منطقی مسأله

یکی از مهارت‌های لازم در پژوهش، مهارت و توانایی تفکر منطقی است. بنابراین باید علم منطق را به خوبی فراگرفت. در منطق می‌آموزیم که ساختارشناسی درست بکنیم. اینکه قضیه سالبه است یا موجبه، کلیه است یا جزئی، وجه به جهت است یا خیر و ... مثال: جبر و اختیار از نظر منطقی چگونه قضیه‌ای است؟ ادله‌ای که برای اختیار می‌آورید باید متناسب با نظریه باشد. نباید اخص یا مباین باشد. شاید یکی از عللی که مسأله جبر و اختیار، غیر قابل حل می‌نماید این باشد که محل نزاع خوب تحریر نمی‌شود.

خاتمه: دو اصل قابل توجه در پژوهش

۱- اصل تمایز مبانی از مسائل

آفت مسأله‌پنداری مبانی در میان برخی از محققین رواج دارد. نباید مبانی یک علم را در خود علم، مسأله کرد. علم باید به مسأله خودش بپردازد. مبانی را باید در یک علم دیگر که فراتر است، مطرح نمود.

مبانی، مفاهیم اساسی مهم یا تصدیق‌های پایه‌ای هستند که مسأله و فرضیه تحقیق مبتنی بر آنهاست. اگر این مبانی نباشد، مسأله قابل طرح نیست.

مثال: در تحقیقی با موضوع «مشارکت ساسی در اندیشه اسلامی» یکی از مبانی مهم، تصویری است که اسلام از انسان می‌دهد. علم سیاست، تعریف سیاست، فعالیت سیاسی و الگوهای رفتار

ارتباطی که در اسلام توصیه می‌شود، مقدمات هستند. اگر این مقدمات پذیرفته نشود، نمی‌توان از مشارکت سیاسی بحث نمود.

مبانی تحقیق پیش فرض‌های تحقیق است. باید قبل از تحقیق همه مبانی در یک صفحه بیان شود. یعنی صرفاً تصورها و انگاره‌های خودمان را یکجا می‌آوریم. نه اینکه نظریه‌های رقیب را بیاوریم و نقد کنیم. حداکثر می‌توان پیش فرض‌ها را ارجاع داد به تحقیقاتی که در آنجا این مبانی تحقیق شده است.

[مثلاً اگر در یک تحقیق فقهی، نیاز به استدلال به برخی قواعد فقهی مانند: لاضرر، غرور، غرر، یا اصولی مانند اصالة البرائة و ... باشد نمی‌توان در آنجا برای هر یک از این قواعد یا اصول فصلی باز نمود و به تفصیل آن را تحقیق نمود. بلکه تنها می‌توان مبانی را مطرح نموده، طبق مبانی یا مبنای به اثبات رسیده توسط محقق در جای دیگر به بررسی مسأله مورد تحقیق توجه نمود]

## ۲- اصل تمایز مسأله و شبهه مسأله

مسأله صورت دقیق درستی دارد و قابل حل است و ارزش حل دارد. شبهه مسأله خلاف این است و فقط مسأله‌نماست.

## آزمون‌های تشخیص مسأله از مسأله‌نما

### آزمون معناداری:

استاد مطهری می‌گوید برخی از فیلسوفان غرب که به الحاد روی آورده‌اند خود را درگیر مسأله فلسفی کرده‌اند که نتوانسته‌اند به آن پاسخ دهند. امثال راسل می‌گفتند اگر خدا آسمان و زمین را آفریده است؛ آنگاه می‌پرسیم که خدا را چه کسی آفریده است؟ استاد مطهری چنین تحلیل کرده که این یک مسأله است یا شبهه مسأله؟ وقتی می‌پرسیم خدا معلول چیست؟ در واقع پرسیده‌ایم چرا علت نخستین، علت نخستین است؟ وقتی خدا را علت فرض کردید دیگر این سؤال معنا ندارد و در واقع سؤال خودستیز شده است.

## آزمون القاکنندگی مسأله

گاهی محقق به دلیل صورت‌بندی غلط از مسأله، اساساً مسأله‌ای ندارد که حل کند بلکه پاسخی دارد که به دنبال تأیید آن است. محقق نباید پیشاپیش دل‌سپرده مطلب خاصی باشد. در عین حال که فرضیه دارد باید به دنبال پاسخ باشد. نباید سوگیری داشته باشد و به جای اینکه محقق سوار بر مسأله باشد، مسأله سوار بر او باشد. موضعی که می‌تواند القاکننده باشد.

### \*تیین غیر مسبوق به توصیف

مسائلی که به علت‌یابی معطوفند، تبیینی نامیده می‌شوند. اینها باید پس از شناخت قابل اعتماد از پدیده (سیاسی، تاریخی، کلامی و ...) باشد. اگر توصیف دقیق نباشد و سؤال از علت باشد، این خطر وجود دارد که توصیف، صحیح تلقی شود. مثلاً اگر سؤال کنند: علت دوری جوانان شما از دین و روحانیت چیست؟ هر پاسخی که بدهید عملاً این توصیف غلط را پذیرفته‌اید. در پاسخ این سؤال باید گفت: کجا دوری جوانان از دین اثبات شده است؟ کدام مطالعه و آمار قابل اعتماد این مسأله را تأیید می‌کند؟ بنابراین سؤال از تبیین غیر مسبوق به توصیف یکی از مواضع القاکنندگی است.

### \*طناب پوسیده «یا»

کاریز معتقد است شرکت‌های ناکام در تشخیص مسائل خطا می‌کنند و گرفتار طناب پوسیده «پسا» می‌شوند. مثلاً شرکت می‌گوید: آیا من تحول داشته باشم یا ثبات؟ چون نمی‌دانند این سؤال القاکننده و غلط است، به ورشکستگی می‌افتند، زیرا یا نتیجه می‌گیرند تحول داشته باشیم که چون در بنیان‌های اصولی ثابت نیستند ورشکسته می‌شوند یا نتیجه می‌گیرند ثبات داشته باشیم که چون به‌روز نیستند، ورشکسته می‌شوند. درست این بود که شرکت‌ها قبل از سؤال یا تحول یا ثبات، به این مطلب توجه می‌کردند که این «یا» مانع جمع نیست و تنها ایهام منع جمع وجود دارد. مثال‌های دیگر: هدف انبیا دنیا است یا آخرت؟ دین یا توسعه و ...

### \*بن بست موهوم «یا»

گاهی احساس می‌کنیم در مقابل منع خلوص قرار گرفته‌ایم در حالی که این منع خلوص، پنداری است. مثال: در کلام سنتی در بحث نبوت، شبهه براهمه قرار دارد که می‌گوید: آنچه انبیا آورده‌اند یا موافق

عقل است که در این صورت نیاز به انبیا نیست یا مخالف عقل است که در این صورت باطل است. این «یا» فرض کرده که منع خلو است. مثال دیگر: برخی مدیران با یک پارادکس اخلاقی مواجهند که آیا نیروی مازاد را اخراج کنیم (این خلاف اخلاق است) یا اخراج نکنیم (خلاف سازمان است). این مسأله نادرست طرح شده است، زیرا شما تنها دو راه ندارید. انواع راه‌های دیگر ممکن است وجود داشته باشد. مثلاً می‌توانید بنگاه را توسعه دهید و ... مدیر ساده‌انگار عافیت‌طلب یکی از این دو راه را که یکی بد و یکی بدتر است انتخاب می‌کند.